

سورة التوبة



دانشگاه آزاد اسلامی

علوم و تحقیقات گلستان

گروه: حقوق جزا و جرم‌شناسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد M. A

عنوان:

امکان قصاص در سقط عمدی جنین دارای روح در قانون مجازات و فقه امامیه.

استاد راهنما:

دکتر علی طالع‌زاری

نگارش:

الهه طالع‌زاری

بهار ۱۳۹۴

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

چکیده

مقدمه:

الف) بیان مسئله

ب) اهمیت و ضرورت

ج) اهداف تحقیق

د) سوالات تحقیق

ه) فرضیات تحقیق

و) روش و ساختار تحقیق

چکیده:

مجازات سقطِ عمدی جنینِ دارای روح، از دیرباز در آثار فقهی مطرح بوده است، ولی عبارات بیشتر فقیهان گذشته در این زمینه خالی از ابهام نیست و همین امر، سبب اختلاف نظر در فهم قول مشهور شده است؛ در حالی که مشهور فقیهان اهل سنت و مشهور فقیهان معاصر شیعه به صراحت، قول به عدم جواز قصاص در قتل عمدی جنین را برگزیده اند. قانون مجازات اسلامی نیز گرفتار ابهام بوده است و حقوق دانان برداشت های مختلفی از آن داشته اند لذا همواره این سوال مطرح بوده که آیا سقط جنین ممنوع است یا مجاز؟ پس میبایست مواضع قانونگذار در قوانین جزایی سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۹۲ نسبت به مسئله سقط عمدی جنین دارای روح، بررسی و به تطبیق آن با منابع معتبر فقهی نیز پرداخت. خوشبختانه در قانون جدید مشخص شده که این عمل، حتی اگر بعد از حلول روح باشد قتل محسوب نخواهد شد و جرم سبک تری است.. بنابراین اصل اولی، احتیاط در دماء، فقدان دلیلی روشن بر قصاص و برخی قرائن دیگر، عدم ثبوت مجازات قصاص در قتل عمدی جنین دارای روح را اقتضا می کند.

کلید واژه‌گان: سقط عمدی جنین، ولو ج روح، قصاص، فقه، قانون مجازات اسلامی.

سقط عمدی جنین در تاریخ جوامع گوناگون بشری دارای سابقه دیرینی است. حفظ سلامت جسمی مادر، فرار از مسئولیت نگهداری فرزند، آسیب های جسمی جنین و پرهیز از بی آبرویی برخاسته از تولد فرزند نامشروع، مهم ترین انگیزه های سقط جنین در طول تاریخ بوده اند.

از سوی دیگر، در نگاه ما انسان ها، جنین از هنگام انعقاد نطفه موجودی زنده و پویاست و ارتباطش با حیات بشری هر روز بیشتر می شود. از این رو، هر چه زمان بر دوران بارداری می گذرد، بر ارزش و حرمت او افزوده و اخلال در ادامه حیات وی ناپسند و جرم شمرده می شود. این نگاه انسانی از بقراط حکیم در سوگندنامه اش که سقط عمدی جنین را در کنار قتل عمد، گناه و جرم دانسته و آن را بر خلاف رسالت پزشکان شمرده تا عهدنامه ژنو که عالی ترین احترام را برای زندگی بشر از هنگام انعقاد نطفه قائل است، پیوسته در جامعه بشری وجود داشته است. ادیان الهی از جمله اسلام نیز که پیام آوران کرامت انسانی از جانب پروردگار متعال اند، حق حیات برای جنین را موهبتی الهی می دانند که تعرض به آن گناهی بزرگ به شمار می آید و مستوجب مجازات است.

اما امروزه سقط عمدی جنین در جوامع مختلف و به ویژه مغرب زمین، رواج فراوان یافته و بلکه توانسته در بسیاری از کشورها مشروعیت قانونی مطلق یا نسبی را نیز به دست آورد. در این تغییر نگرش که بر محور لذت پرستی و سودجویی شکل گرفته و بسیاری از حریم های گذشته را پایمال کرده، انسان جدید غربی به جنین که همزاد و هم نوع ماست و به تنهایی از دست یافتن به حقوق خویش ناتوان است، رحم نمی کند و حیات او را به انگیزه دستیابی به لذت بیشتر یا فرار از مسئولیت، از او می ستاند.

جنین قبل از دمیده شدن روح به آن دارای حیات نباتی است و پس از دمیده شدن روح که در حدود چهار ماهگی است، از حیات حیوانی و انسانی برخوردار می شود. همین دگرگونی مهم در زندگی جنین سبب تغییر احکام و مقررات شرعی در حق او می شود. سلب حیات از جنین قبل از دمیده شدن روح و پس از آن، فی نفسه حرام است، ولی ممکن است این حرمت در برخی فروض در تزاخم با حقوق مهم تر از جمله حق حیات مادر، نادیده گرفته شود و حقوق دیگر بر او ترجیح یابد.

آنچه موضوع این پایان نامه می باشد، بررسی مجازات قصاص در سقط عمدی جنین و یا به عبارت دیگر، قتل عمدی او پس از دمیده شدن روح است. بر پایه آمارهای موجود، سقط عمدی جنین شایع ترین

نوع قتل عمدی انسان در جوامع مختلف از جمله ایران است ۲. به همین جهت، بررسی مجازات چنین جرم شایعی از اهمیت بسیاری برخوردار است.

در حقوق ایران، نخستین بار در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ به مواردی در خصوص مجازات سقط جنین بر می خوریم. مواد ۱۸۰ تا ۱۸۴ این قانون بدون توجه به منابع فقهی و تحت تأثیر قانون جزای فرانسه، سقط جنین را از عنوان قتل خارج دانسته و مجازات کسی را که با ضرب و یا هر نوع اذیتی موجب سقط حمل زنی گردد، حبس جنایی درجه یک از سه تا ده سال قرار داده است، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تدوین کنندگان قوانین جزایی به پیروی از منابع فقهی، از طرح مجازات سقط جنین در کتاب قصاص خودداری کردند و در کنار بیان دیه مراحل مختلف جنین در مواد ۲۹۷ تا ۳۰۲ قانون دیات مصوب سال ۱۳۶۲، مجازات قصاص را برای قتلِ عمدیِ جنینِ دارای روح در ماده ۹۱ قانون تعزیرات مصوب همان سال بدین شرح مقرر داشتند:

اگر زن حامله برای سقط جنین به طیب و یا قابله مراجعه کند و طیب هم عالماً و عامداً مباشرت به اسقاط جنین بنماید، دیه جنین به عهده اوست و اگر روح در جنین دمیده شده باشد، باید قصاص شود....
با تصویب (قانون مجازات اسلامی) در سال ۱۳۷۰ که صورت اصلاح شده قوانین مصوب سال ۱۳۶۲ بود و تصویب بخش تعزیرات آن در سال ۱۳۷۵، ماده بالا به ماده ۶۲۲ کتاب تعزیرات این قانون مبدل شد و این گونه تغییر یافت:

هر کس عالمماً عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین وی شود، علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد.

این ماده به علت ضعف در تدوین و ابهام در نگارش، موجب برداشت های متفاوت حقوق دانان شده است. برخی معتقدند طبق این ماده، مجازات قاتل جنین قصاص استو برخی دیگر معتقدند مجازات قصاص در این ماده، مربوط به جنایت وارد شده بر زن است، نه سقط جنین. بعضی دیگر از حقوق دانان نیز بدون تبیین ماده مذکور با اجمال و تسامح از کنار آن گذشته و یا در انتخاب یکی از دو وجه تردید کرده اند.

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده آن آمده است:

«سقط عمدی جنین حتی پس از دمیده شدن روح در آن، قصاص ندارد و محکوم به پرداخت دیه

است.»

فقیهان شیعه و اهل سنت بر پایه نصوص روایی برای سلب حیات جنین در مراحل مختلف زندگی او، دیه ای خاص مقرر کرده اند، ولی هیچ یک از آنان در سقط عمدی جنین قبل از دمیده شدن روح، فتوا به قصاص قاتل نداده اند. اما مجازات سقط عمدی جنین پس از دمیده شدن روح که ورود به یکی از مهم ترین مراحل حیات انسانی او است، به موضوع اختلاف برانگیزی میان فقها تبدیل شده است. بعضی، قاتل را در چنین فرضی مستحق قصاص و برخی دیگر حکم قصاص را از او منتفی دانسته اند.

تردیدی نیست که دیدگاه گروه دوم، ملازم با سلب هرگونه مجازات غیر از دیه از قاتل نیست، بلکه قاتل بر پایه این دیدگاه چون مرتکب جرم و گناه کبیره ای شده است، سزاوار تعزیر است. ولی به نظر این گروه از فقیهان، قاتل را نمی توان به جرم کشتن جنین دارای روح، به قصاص نفس محکوم کرد.

این پایان نامه در ۳ فصل و هرفصل در قالب ۲ مبحث ارائه گردیده که هر مبحث ان شامل سه گفتار میباشد، در فصل اول به مفهوم شناسی، پیشینه و اشکال سقط جنین در ایران و سایرکشورها و مراحل تکامل جنین پرداخته شده که در مبحث اول این فصل به بررسی مفاهیم جنین، ولوج روح، سقط جنین از جنبه اصطلاحی خواهیم پرداخت و نیز مفهوم اصطلاحی هر یک از سه واژه مذکور را از نقطه نظر سه علم فقه، حقوق و پزشکی، مورد بحث قرار می دهیم و در مبحث دوم، پیشینه سقط جنین در ایران شامل {قبل و بعد از انقلاب} و در کشورهای اسلامی شامل {مصر، سوریه، لبنان، عراق} و در کشورهای غیر اسلامی شامل {آمریکا، انگلیس، فرانسه، ایتالیا} مورد تبیین قرار خواهیم داد.

در فصل دوم کوشیده ایم مراحل تکامل جنین اشکال و انواع مجازات و ارکان تشکیل دهنده سقط عمدی جنین در قانون مجازات اسلامی مورد تبیین قرار بدهیم که در مبحث اول این فصل به بررسی مراحل تکامل جنین شامل {نطفه، علقه، مضغه، عظام، لحم، تام الخلقه} و تقسیم بندی اشکال سقط جنین در حقوق ایران از منظر عنصر معنوی که عبارت است از: سقط عمدی جنین، سقط جنین شبه عمدی، سقط جنین خطا محض، که به بررسی سقط جنین غیر عمدی ناشی از تخلف در امر رانندگی و سقط جنین درمانی و انواع مجازات سقط عمدی جنین شامل {قصاص، دیه، تعزیر} میپردازیم و در مبحث دوم، ارکان تشکیل دهنده این بزه در قانون مجازات اسلامی که شامل {قانونی، مادی، معنوی} میشود را تبیین می نمایم

در فصل سوم سعی گردیده بعد از تبیین دقیق دیدگاه های فقهی و حقوقی، به بررسی امکان قصاص در سقط عمدی جنین در قانون مجازات اسلامی، فقه امامیه و فقه عامه پرداخته و در نهایت به یاری خداوند، رأی صواب را در این تضارب آرا در باب امکان قصاص در سقط عمدی جنین دارای روح بیابیم.

الف) بیان مسأله اساسی تحقیق

سقط عمدی جنین نزد همه ملل امری ناپسند و زشت می‌باشد. شاهد زشت و قبیح بودن آن این است که حتی مرتکبین آن سعی می‌کنند آن را پوشیده نگه دارند تا نزد دیگران فاش نشود. در حقوق همه کشورها نیز سقط جنین جرم است و جز در شرایط استثنائی و دشوار جایز نیست. پیش از انقلاب اسلامی به تقلید از حقوق فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی و براساس ماده ۱۸۲ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ برای زنی که اقدام به سقط جنین خود کرده بود، یک تا سه سال حبس در نظر گرفته می‌شد. هم اکنون نیز در اکثر کشورهای جهان برای مادری که اقدام به سقط نموده مجازات حبس در نظر گرفته می‌شود. قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰، در کتاب پنجم خود تحت عنوان تعزیرات و مجازات های بازدارنده به موضوع سقط جنین پرداخته بود. براساس ماده ۶۲۲ قانون مزبور، «...هرکس عالماً و عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله موجب سقط جنین وی گردد، علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص بر حسب مورد، به حبس از یک سال تا سه سال محکوم خواهد شد» البته دیدگاه حقوقدانان در مورد بحث قصاص متفاوت بود و در قانون مجازات سال ۱۳۹۲ در ماده ۳۰۶ قانون جدید مقرر داشته: «سقط عمدی جنین حتی پس از دمیده شدن روح در آن، قصاص ندارد و محکوم به پرداخت دیه است و در صورتی که بدون مجوز قانونی باشد، طبق مقررات تعزیر می‌شود». این در حالی است از منظر فقهای امامیه که مخالف سقط جنین هستند، جنین موجود محترمی است و برای بذری که انسان از آن پدید می‌آید پیش از آنکه در رحم زن افکنده شود، عوض مالی (ارش) معین کرده است و سقط آن را به جز مواردی که به عنوان ثانوی، سقط آن را مجاز شناخته شده است، در هر مرحله ای که باشد، به استناد کتاب، سنت، عقل و اجماع حرام و نامشروع است. در مرحله اول و قبل از دمیده شدن روح، سقط جنین به دلیل اینکه دارای حیات نباتی است و انسان بالفعل نیست، قتل نفس محسوب نمی‌شود. ولی در مرحله دوم؛ جنین، انسانی همانند سایر انسان هاست و قتل آن حرام است.

مسأله سقط جنین همواره نزد دانشمندان حقوق جزا به عنوان یکی از موضوع‌های اساسی حقوق کیفری مطرح بوده و از جمله مسائلی است که محصول تحولات علمی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است و ارتباط تنگاتنگی با حقوق بشر، حقوق آزادی زنان، منافع دولتها و مصالح جامع بشری دارد. از منظر حقوق اسلامی، حفظ جان کودک جنینی مانند حفظ جان سایر افراد لازم و واجب است و قتل کودک جنینی جز در موارد استثنائی ممنوع و حرام می‌باشد. در حقوق اسلام، برای متعرضین و پایمال کنندگان حق حیات کودک جنینی مجازات سنگینی پیش بینی و تدوین شده است و لذا همواره این سوال مطرح بود که آیا سقط جنین ممنوع است یا مجاز؟ در این پایان نامه ضمن بررسی مواضع قانونگذار در در قوانین جزایی سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۹۲ نسبت به مسئله سقط عمدی جنین دارای روح، به بررسی فقهی و حقوقی اش نیز پرداخته خواهد شد.

ب) اهمیت و ضرورت انجام تحقیق:

جهان اسلام، در عین واقع بینی، بر اساس مبانی اسلامی، سقط جنین را حرام و نامشروع می داند و فقه امامیه نیز با و با روشن بینی مبانی مستحکم، با این معضل اجتماعی مواجه شده و با این که در برخی موارد، سقط جنین دارای روح را مجاز دانسته، با جواز بی قید و شرط آن مخالف است و آن را حرام و مستوجب قصاص میداند و همیشه موضع خود را در باب این مسئله حفظ نموده است و با توجه به این که جرم انگاری سقط جنین ریشه در فقه اسلامی دارد، دلایل اتخاذ مواضع مخلف ازسوی قانونگذار در قوانین سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۹۲ قانون مجازات اسلامی، درمورد ثبوت و عدم ثبوت قصاص در قوانین مذکور و سیاست جدید قانونگذار با حذف مجازات قصاص در قانون ۹۲ و عدم تطبیق آن با منابع معتبر فقهی، جای بسی تحقیق و تفحص دارد.

ج) اهداف مشخص تحقیق:

- _ بررسی امکان قصاص در سقط عمدی جنین در قانون مجازات اسلامی و فقه امامیه
- _ بررسی دلایل حذف مجازات قصاص در بزه سقط جنین عمدی طبق ماده ۳۰۶ قانون مجازات اسلامی ۹۲
- _ بررسی مقایسه ای مجازات بزه سقط جنین عمدی در فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی ۹۲
- _ بررسی ضرورت مجازات قصاص در بزه سقط جنین عمدی پس از ولوج روح بدون وجود تراحم یا معارض در فقه امامیه
- _ بررسی تناسب بزه سقط جنین و مجازات قصاص در ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰
- _ بررسی دلایل جواز سقط عمدی جنین پس از ولوج روح در فقه امامیه
- _ بررسی سیاست کیفری جدید قانون گذار در سقط عمدی جنین در ماده ۳۰۶ قانون مجازات اسلامی ۹۲
- _ بررسی سیر تحولات مجازات سقط عمدی جنین دارای روح از قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۹۲

د) سؤالات تحقیق:

- _ چرا قانونگذار در قوانین سال ۱۳۰۴ و ۱۳۶۲ و ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲ سیاست های مختلفی را در مورد مجازات قصاص در سقط عمدی جنین اتخاذ نموده است ؟
- _ سیاست کیفری قانونگذار از حذف مجازات قصاص در سقط عمدی جنین طبق ماده ۳۰۶ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی ۹۲ چیست ؟

چرا قانونگذار در ماده ۳۰۶ بخش قانون مجازات اسلامی ۹۲ برای مجازات سقط عمدی جنین دارای روح مطابق با فقه عمل ننموده است؟

آیا قانونگذار در ماده ۳۰۶ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی ۹۲، ابهام مطرح در ماده ۶۲۲ بخش تعزیرات

قانون مجازات اسلامی ۷۰ را برطرف نموده است؟

دلایل ثبوت قصاص در ماده ۶۲۲ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی ۷۰ و ماده ۹۱ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی ۶۲ چیست؟

ه) فرضیه های تحقیق:

قانونگذار در قوانین سال ۱۳۰۴ و ۱۳۶۲ و ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲ سیاست های مختلفی را در مورد مجازات قصاص در سقط عمدی جنین اتخاذ نموده است.

قانونگذار سیاست کیفرزدایی را در حذف مجازات قصاص در سقط عمدی جنین ماده ۳۰۶ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی ۹۲ اتخاذ نموده است.

قانونگذار در ماده ۳۰۶ بخش قانون مجازات اسلامی ۹۲ برای مجازات سقط عمدی جنین دارای روح مطابق با فقه عمل ننموده است.

قانونگذار در ماده ۳۰۶ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی ۹۲، ابهام مطرح در ماده ۶۲۲ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی ۷۰ را برطرف نموده است.

ثبوت قصاص در ماده ۶۲۲ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی ۷۰ و ماده ۹۱ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی ۶۲ دارای دلایلی فقهی بوده است.

و) روش و ساختار تحقیق:

روش پژوهش به صورت کتابخانه ای _ اسنادی است، روش گردآوری اطلاعات با توجه به نوع تحقیق با مراجعه با منابع و مآخذ علمی شامل کتاب، مجلات، نشریات ادواری، موجود در کتابخانه ها و همچنین سایت های اینترنتی حاوی تحقیقات و مقالات علمی معتبر اطلاعات مورد نیاز تحقیق گردآوری گردیده و

بر اساس روش تحقیق کتابخانه‌ای، برای جمع‌آوری اطلاعات بعد از مآخذ شناسی و گردآوری منابع از ابزارهای فیش و فرم‌های مربوط به نکته برداری استفاده شده. بدین صورت که بعد از مآخذ یابی کتب، مجلات و اسناد مربوط به موضوع، فهرست موقت از مطالب مورد نیاز را تهیه و سپس با آماده‌سازی فیش‌ها، مرحله فیش برداری شروع و مطالب با استفاده از تکنیک مآخذ گذاری به روش علمی تنظیم شده است.